

دانش نظری دانشجویان روابط بین‌الملل: مطالعه‌ای آسیب‌شناختی

حمیرا مشیرزاده[□]

دانشیار گروه روابط بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

حیدر علی مسعودی

کاندیدای دکتری روابط بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۹/۷/۱۴ - تاریخ تصویب: ۱۹/۹/۱۷)

چکیده:

ضعف نسبی دانش نظری دانشجویان رشته روابط بین‌الملل که مورد تأیید خود آنها هم کم و بیش هست، نه تنها خود را در کلاس‌های درسی مقاطع تحصیلات تکمیلی نشان می‌دهد بلکه در بسیاری از رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها به صورت ناتوانی در ایجاد ارتباط مناسب میان نظریه و پژوهش تجربی نمایان می‌شود. هدف از پژوهشی که در این مقاله یافته‌های آن آمده، یافتن عوامل احتمالی مؤثر بر این وضعیت است. سه مجموعه از عوامل (کمیت و کیفیت تدریس، کمیت و کیفیت منابع نظری به زبان فارسی و علاقه‌مندی و نگرش دانشجویان نسبت به نظریه‌ها) به عنوان عوامل مؤثر در دانش نظری دانشجویان در نظر گرفته شده‌اند که در قالب ۹ فرضیه مورد واریسی قرار گرفته‌اند. در مجموع یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد کمیت واحدها و کیفیت تدریس دروس در برخی ابعاد و همچنین کمیت و کیفیت منابع، عوامل مؤثر در ضعف نسبی نظری در میان دانشجویان رشته روابط بین‌الملل است و بی‌علاقگی یا نگرش منفی آنها نسبتاً پایین بوده و نمی‌تواند عاملی مؤثر باشد.

واژگان کلیدی:

روابط بین‌الملل، نظریه‌های روابط بین‌الملل، ایران، تدریس، دانشجویان

Email: hmoshir@ut.ac.ir

فکس: ۶۶۴۰۹۵۹۵

* مسئول مقاله

این مقاله مستخرج از طرحی پژوهشی با عنوان روابط بین‌الملل در ایران: از مبانی نظری و مفهومی تا پژوهش است که با حمایت معاونت محترم پژوهشی دانشگاه تهران انجام شده است. در اینجا جا دارد هم از داوران محترم طرح و هم از داوران محترم این مقاله به جهت ذکر نکاتی که به غنای بحث افزوده سپاسگزاری کنم. برای اطلاع از دیگر مقالات نویسنده که در این مجله منتشر شده، به صفحه پایانی همین مقاله رجوع شود.

مقدمه

یکی از مشکلاتی که بسیاری از دانشجویان رشته روابط بین‌الملل به ویژه در دوره‌های کارشناسی ارشد و نیز حداقل در آغاز دوره دکتری به آن اذعان دارند؛ دانش نسبتاً پایین آنها در حوزه نظریه‌های روابط بین‌الملل است (بنگرید به بحث «برداشت دانشجویان از دانش نظری خود» در ادامه این مقاله). بسیاری از اساتید این رشته نیز از سطح پایین دانش نظری دانشجویان سخن می‌گویند.^۱ این در حالی است که پژوهش جدی معمولاً بدون پشتوانه نظری یا بدون هدف مساهمت نظری (که لازمه آن نیز دانش نظری لازم است) امکان‌پذیر نیست. نظریه‌های روابط بین‌الملل به عنوان نگاه‌های تحلیلی، تفسیری و تبیینی به آنچه ما پدیده‌های بین‌المللی می‌شناسیم قوام می‌بخشند و مشخص می‌کنند که چه چیزی را ببینیم، چه چیزی را مهم تلقی کنیم و چه رابطه‌ای میان اموری که می‌بینیم برقرار کنیم. نظریه نقشی مهم در پیشرفت علم و جهت دادن به پژوهش دارد. در نتیجه در برنامه‌های آموزش هر رشته‌ای، بخشی از دروس جنبه نظری دارند و بخشی وسیع از منابع نیز تألیفات نظری محسوب می‌شوند. اما مهم این است که دانشجویان و دانش‌پژوهان در رشته خود چنان به مباحث نظری تسلط داشته باشند که بتوانند به درستی از آنها در تحقیقات خود استفاده کنند و نیز حداقل بخشی از آنها توانایی لازم برای نظریه‌پردازی را به دست آورند. هم تجربه شخصی از صحبت با دانشجویان و هم بررسی مقالات و نیز پایان‌نامه‌های رشته روابط بین‌الملل نشان می‌دهد که در پژوهش‌های روابط بین‌الملل در ایران مشکلاتی در بُعد نظری وجود دارد (بنگرید به: مشیرزاده ۱۳۸۹). با وجودی که در مورد آموزش و پژوهش در روابط بین‌الملل در ایران آثار معدود وجود دارد (به عنوان نمونه، بنگرید به: ازغندی ۱۳۷۸؛ مصفا ۱۳۸۵؛ سلیمی ۱۳۸۷؛ Sariolghalam 2009; Moshirzadeh 2009; Mesbahi 2009) که در آنها به مشکلات این رشته در ایران پرداخته شده، اما این بُعد از مشکل و تبیین آن کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

در این پژوهش سؤال اصلی که مورد واری قرار می‌گیرد این است که چرا سطح دانش نظری دانشجویان رشته روابط بین‌الملل در ایران در حدی مطلوب نیست؟ منظور از دانش نظری مطلوب داشتن سطح معلومات و توانایی‌های تحلیلی متلازم با آن به تناسب هر مقطع تحصیلی است. در پاسخ به این سؤال عواملی چون تساهل اساتید در دادن نمره،^۲ عدم استفاده از روش‌های آموزشی مناسب، عدم اتکا به روش‌های جدید آموزش با هدف بالا بردن توان یادگیری و مانند این‌ها را می‌توان مطرح کرد که چون جنبه عام و فراتر از دروس خاص نظری

۱. نگارنده این نکته را مکرراً در صحبت‌های خود با بسیاری از دانشجویان و نیز مدرسان دروس نظری روابط بین‌الملل شنیده است.

۲. این نکته‌ای است که یکی از داوران محترم مجله به آن اشاره کردند که جا دارد از ایشان تشکر کنم.

دارند، به آنها پرداخته نمی‌شود (ولی بی‌تردید در آسیب‌شناسی کلی آموزش در کشور باید مورد توجه جدی قرار گیرند). در اینجا برای تعیین عوامل مؤثر در سطح پایین دانش نظری دانشجویان سه گروه فرضیه مورد بررسی قرار گرفتند تا مشخص شود آیا ریشه مشکل را باید در تدریس جستجو کرد یا در منابع و یا در بی‌علاقگی دانشجویان و مجموعاً نه فرضیه مورد واریسی قرار گرفتند که عبارتند از:

الف. کمیت و کیفیت تدریس

۱. کم بودن تعداد واحدهای دروس نظری در رشته روابط بین‌الملل عامل مؤثر در پایین بودن سطح دانش نظری رشته روابط بین‌الملل در ایران است.
۲. کیفیت تدریس دروس نظری در رشته روابط بین‌الملل عامل مؤثر در پایین بودن سطح دانش نظری رشته روابط بین‌الملل در ایران است.
۳. پایین بودن دانش نظری اساتید عامل مؤثر در پایین بودن سطح دانش نظری رشته روابط بین‌الملل در ایران است.
۴. وجود جانبداری نظری در میان اساتید و در نتیجه عدم استفاده از مبانی نظری مناسب عامل مؤثر در پایین بودن سطح دانش نظری رشته روابط بین‌الملل در ایران است.
۵. عدم آموزش ارتباط میان مباحث نظری و تجربی/پژوهشی عامل مؤثر در پایین بودن سطح دانش نظری رشته روابط بین‌الملل در ایران است.

ب. کمیت و کیفیت منابع

۶. کمیت و کیفیت پایین منابع نظری عامل مؤثر در پایین بودن سطح دانش نظری رشته روابط بین‌الملل در ایران است.
- پ. علاقه و نگرش دانشجویان
۷. بی‌علاقگی دانشجویان به مباحث نظری عامل مؤثر در پایین بودن سطح دانش نظری رشته روابط بین‌الملل در ایران است.
۸. کم بودن میزان مطالعه دانشجویان عامل مؤثر در پایین بودن سطح دانش نظری رشته روابط بین‌الملل در ایران است.
۹. نگرش منفی نسبت به اهمیت و نقش نظریه‌ها در کل و در پژوهش عامل مؤثر در پایین بودن سطح دانش نظری رشته روابط بین‌الملل در ایران است.

روش تحقیق مورد استفاده پیمایشی و روش گردآوری داده در این زمینه استفاده از پرسشنامه است. در چارچوب پرسشنامه علاوه بر گردآوری اطلاعات نگرش سنجی هم صورت گرفته است. نمونه دانشجویان از دانشگاه‌های تهران (تهران، شهید بهشتی و علامه طباطبایی) بوده‌اند با این فرض که سطح بالاتر آموزش در آنها وجود دارد و نیز اینکه در مقطع

کارشناسی ارشد بهترین دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه های شهرستان ها را در خود جمع کرده اند و تنها دانشگاه های دولتی هستند که در رشته روابط بین الملل در دوره دکتری دانشجو می پذیرند. مجموع دانشجویان کارشناسی (سال آخر) در نمونه که پرسشنامه را پر کرده اند ۱۵۰ نفر، مجموع دانشجویان کارشناسی ارشد (نیمسال دوم و سوم) در نمونه که پرسشنامه را پر کرده اند ۷۳ نفر و تعداد دانشجویان دوره دکترا در نمونه که پرسشنامه را پر کرده اند ۲۰ نفر بوده است. برای همه اساتید شناسایی شده در حوزه تدریس دروس نظری پرسشنامه ارسال شد که تعداد ۱۲ نفر پرسشنامه ها را پر کردند.

این مقاله پس از مروری اجمالی بر اهمیت نظریه و نیز دشواری بحث های نظری و جایگاه دروس نظری در رشته روابط بین الملل در مقاطع مختلف، به بررسی برداشت دانشجویان کارشناسی علوم سیاسی و کارشناسی ارشد و دکتری روابط بین الملل از دانش نظری خود در روابط بین الملل می پردازد و سپس نتایج تحقیق درباره فرضیه های مطرح شده در بالا را مورد بررسی قرار می دهد.

نظریه روابط بین الملل و جایگاه آن در آموزش عالی

دروس نظری در همه رشته ها به دلیل انتزاعی بودن دشوارند. در رشته های علوم اجتماعی نبود وفاق در مورد ماهیت نظریه و نقش آن در کار علمی و پژوهش این دشواری ماهوی را با دشواری ناشی از تکرر دیدگاه های فرانظری همراه می کند. می توان در کل گفت که در وهله نخست در برداشت از نظریه، میان علم گرایان/طبیعت گرایان (naturalists) که قائل به وحدت علوم هستند و تفسیرگرایان و مخالفان طبیعت گرایی در مورد سرشت نظریه اختلاف نظر جدی وجود دارد و در وهله دوم در داخل هر یک از این دو گروه نیز می توان تفاوت هایی را دید (بنگرید به: رابن ۱۳۷۲؛ لیتل ۱۳۷۳؛ میلیکن ۱۳۸۵ و نیز: Bailey 1982; Freidan and Lake 2005; Turner 1974; Sutton 1999). این به معنای تکرر نظری در علوم اجتماعی به طور کلی و روابط بین الملل به طور خاص است که یکی از عوامل پیچیدگی تدریس و یادگیری در زمینه نظریه ها می شود. به علاوه اختلاف نظرها در میان نظریه پردازان فراتر از جنبه هستی شناختی و معرفت شناختی محتوایی نیز هست. برداشت های متفاوت از تعریف، هدف، و چگونگی نظریه و نظریه پردازی همراه است با برداشت های متفاوت از سرشت نظام بین الملل، کنشگران بین المللی (از جمله دولت)، قدرت، تعاملات بین المللی، فرایندهای بین المللی، و تبیین و تشریح آنها. در نگاه کلی و بر اساس برداشت های متفاوت فرانظری و/یا محتوایی می توان حداقل هشت تا ده رویکرد نظری اصلی را در روابط بین الملل نشان داد که هر یک از آنها می توانند شامل نظریه های متعدد

کلان و میان‌برد یا نظریه‌های خاص در حوزه‌های خاص روابط بین‌الملل باشند (بنگرید به مشیرزاده ۱۳۸۸).

در هر مقطعی از تحصیلات دانشگاهی در رشته علوم سیاسی و روابط بین‌الملل به طور خاص نیل به شناختی از این نظریه‌ها و دیدگاه‌های متفاوت ضرورت دارد. نگاهی به متون ابتدایی در حوزه آشنایی با روابط بین‌الملل که برای دانشجویان کارشناسی تهیه می‌شوند نشان می‌دهد که هدف انتقال مقدماتی در باب دانش نظری از اهداف اصلی آنهاست و در اغلب کتاب‌های درسی فصلی به دیدگاه‌های نظری اختصاص می‌یابد (به عنوان نمونه، بنگرید به: Jackson and Sorensen 200; Hocking and Smith 1996; Jones, Jones, Dark, and Peters 2001; Mingst 2008). در کتاب‌های درسی فارسی نیز اکثراً این مسئله لحاظ شده است (بنگرید برای نمونه، به: قوام ۱۳۸۴ الف؛ عامری ۱۳۷۴). البته طبیعتاً در این مقطع تسلط به مفاهیم و مفروضات و موضوعات نظری مد نظر نیست، بلکه آشنایی با نظریه‌پردازان اصلی و آثار آنها، دانستن کلیاتی در باره مفاهیم اصلی، مفروضات و گزاره‌های نظریه و به ویژه نگرش یا رویکرد کلی نظریه‌ها هدف آموزش است.

تا آنجا که به برنامه درسی مربوط می‌شود، در برنامه‌های درسی دانشگاه‌های جهان در درس «مقدمه‌ای بر روابط بین‌الملل» بحث‌های نظری جایگاه خود را دارند. به عنوان نمونه در دانشگاه‌های ایلینویز (University of Illinois 2004) هدف از درس، آشنا کردن دانشجویان با نظریه‌ها، مسائل و مبانی اقتصادی روابط بین‌الملل معرفی شده است. در دانشگاه رانگروز (University of Rutgers 2003)، هدف درس ارائه «ابزار نظری و چارچوب تحلیلی» برای درک بهتر نظام بین‌الملل است. درس مقدمه روابط بین‌الملل دانشگاه کالیفرنیا (University of California 2010) شامل «انگاره‌ها و مناظرات اصلی در رشته و نظریه‌های مهم» است. و در دانشگاه نوتردام (University of Notre Dame 200) درس مقدمه روابط بین‌الملل شامل تدریس «نظریه‌های روابط بین‌الملل با تمرکز بر آثار و آثار آن و راه‌های مقابله با این آثار» ذکر شده است.

در نظام آموزش عالی در ایران نیز کسب دانش نظری و «بررسی اندیشه‌ها و نظریه‌های سیاسی و کارکرد آنها» در حوزه‌های مختلف علوم سیاسی (که طبیعتاً روابط بین‌الملل را نیز در بر می‌گیرد) در مقطع کارشناسی این رشته از اهداف اصلی آن ذکر شده است (مرکز مطالعات، تحقیقات و ارزشیابی آموزشی بی‌تا). با وجودی که درسی تحت عنوان نظریه‌های روابط بین‌الملل در درس کارشناسی علوم سیاسی و روابط سیاسی دیده نمی‌شود اما در درس اصول روابط بین‌الملل (الف) و (ب) در کارشناسی علوم سیاسی و در درس اصول روابط بین‌الملل در کارشناسی روابط سیاسی سرفصل‌هایی تحت عنوان «تئوری موازنه قدرت»، «تئوری‌های جاری

بین‌المللی» و «مروری بر تئوری‌های کلاسیک و مدرن روابط بین‌المللی» دیده می‌شود (مرکز مطالعات، تحقیقات و ارزشیابی آموزشی ۱۳۷۵ الف: ۴۱ و ۱۳۷۵ ب: ۳۹).

در مقطع کارشناسی ارشد این انتظار وجود دارد که دانشجویان بتوانند به دانشی عمیق‌تر در این حوزه دست یابند. در اینجا از سویی مبانی و مفروضات مورد بحث دقیق‌تر قرار می‌گیرند و گزاره‌های خاص نظریه‌ها نیز مورد واکاوی قرار می‌گیرند و از سوی دیگر، مناظرات و بحث‌های درون رشته و میان نظریه‌های مختلف مطرح می‌شود تا دانشجویان با نقد نظری نیز آشنا شوند و از یکجانبه دیدن نظریه‌ها اجتناب شود. با توجه به اهمیت مباحث هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و روش‌شناختی در مناظرات اخیر، معمولاً انتظار می‌رود به این مباحث نیز پرداخته شود. در این مقطع در ایران در قالب درس «تئوری‌های روابط بین‌الملل» در هر سه رشته روابط بین‌الملل، مطالعات منطقه‌ای و علوم سیاسی سه یا حداقل دو واحد برای نظریه‌ها اختصاص یافته و در دروسی مانند «سیاست بین‌الملل»، «امنیت بین‌الملل»، «اقتصاد سیاسی بین‌الملل» و مانند اینها نیز انتظار می‌رود نظریه‌های خاص‌تر و میان‌برد در روابط بین‌الملل مد نظر قرار گیرند (بنگرید به: مرکز مطالعات، تحقیقات و ارزشیابی آموزشی ۱۳۷۵ پ).

در دانشگاه‌های جهان در درس نظریه‌های روابط بین‌الملل در مقطع کارشناسی ارشد و متون درسی نظری که برای این مقطع تهیه می‌شوند نیز معمولاً فصلی را به هر یک از نظریه‌های مهم روابط بین‌الملل اختصاص می‌دهند و ذیل هر یک به بررسی شاخه‌های مختلف، دیدگاه‌های نظریه‌پردازان متفاوت، تحولات نظریه در طول زمان و نیز انتقادات وارد بر هر یک از نظریه‌ها می‌پردازند (به عنوان نمونه، بنگرید به: Burchill et al. 2005 و قوام ۱۳۸۴ ب؛ مشیرزاده ۱۳۸۸). در برخی دیگر از کتاب‌های درسی برای این مقطع ترجیح داده می‌شود از مقالات اصلی نظریه‌پردازان استفاده شود (به عنوان نمونه، بنگرید به: Der Derian 1995).

دوره دکتری، دوره‌ای است که انتظار می‌رود دانشجویان نه تنها نظریه‌های کلان را به خوبی بشناسند، بلکه در حوزه نظریه‌های میان‌برد به تبع حوزه تخصصی مورد علاقه‌شان (امنیت بین‌الملل، سیاست خارجی، اقتصاد سیاسی بین‌الملل، مطالعات منطقه‌ای، و حقوق و سازمانهای بین‌المللی) نیز اشراف کامل بر مباحث نظری پیدا کنند. به علاوه، نکته بسیار مهم در این مقطع افزایش توان نقد و ارزیابی نظریه‌هاست. در این دوره با توجه به اینکه معمولاً دانشجویان از فلسفه علم و مباحث مختلف هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی آگاهی نسبی دارند و نیز از دانش کافی در مورد مسائل تاریخی و جاری جهان برخوردارند انتظار می‌رود علاوه بر افزایش معلومات خود در مورد مباحث نظری و تدقیق در نظریه‌ها، بتوانند با نگاهی نقادانه به نظریه‌ها بنگرند و آرای خود را بیان کنند. حال باید دید دانشجویان روابط بین‌الملل در ایران تا چه حد دانش خود را رضایتبخش می‌دانند.

برداشت دانشجویان از دانش نظری خود

برداشت دانشجویان دوره کارشناسی از دانش نظری خود در روابط بین‌الملل (در حد شناخت مفاهیم اصلی نظریه، نظریه‌پردازان اصلی و دعاوی اصلی نظری) در حد رضایتبخش نیست. از میان دانشجویان کارشناسی علوم سیاسی، ۴۵٪ به دانش خود در زمینه نظریه‌های روابط بین‌الملل از نمره ۲۰ بین ۱۴ تا ۱۶ (متوسط) و ۳۵/۷٪ کمتر از ۱۴ (ضعیف) داده‌اند و این نشان می‌دهد که بیش از ۸۰٪ دانشجویان از سطح دانش نظری خود رضایت چندان ندارند. از نظر قدرت نقد و ارزیابی ۳۷/۲٪ نمره ۱۴ تا ۱۶ و ۴۹/۶٪ کمتر از ۱۴ داده‌اند که در کل نشان می‌دهد نزدیک به ۸۷٪ در این زمینه خود را در سطح خوبی نمی‌بینند.

برداشت دانشجویان دوره کارشناسی ارشد از دانش نظری خود در روابط بین‌الملل تا حدی بهتر از کارشناسی است اما باز هم در حد رضایتبخش نیست. از میان دانشجویان کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، علوم سیاسی، و مطالعات منطقه‌ای ۴۱/۱٪ به دانش خود در زمینه نظریه‌های روابط بین‌الملل از نمره ۲۰ بین ۱۴ تا ۱۶ (متوسط) و ۳۷٪ کمتر از ۱۴ (ضعیف) داده‌اند و این نشان می‌دهد که بیش از ۷۸٪ دانشجویان از سطح دانش نظری خود رضایت چندان ندارند. از نظر قدرت نقد و ارزیابی ۳۲/۹٪ نمره ۱۴ تا ۱۶ و ۴۶/۶٪ کمتر از ۱۴ داده‌اند که در کل نشان می‌دهد نزدیک به ۸۰٪ در این زمینه خود را در سطح خوبی نمی‌بینند.

برداشت دانشجویان دوره دکترا از دانش نظری خود در روابط بین‌الملل در حد رضایتبخش تر است. از میان دانشجویان دکترای روابط بین‌الملل، ۶۰٪ به دانش خود در زمینه نظریه‌های روابط بین‌الملل از نمره ۲۰ بین ۱۶ تا ۱۸ (خوب) و ۳۰٪ بین ۱۶ تا ۱۸ (متوسط) داده‌اند و این نشان می‌دهد که بیش از ۹۰٪ دانشجویان از سطح دانش نظری خود رضایت نسبی دارند. اما از نظر قدرت نقد و ارزیابی ۶۰٪ به خود نمره ۱۶ تا ۱۸ و ۳۵٪ نمره ۱۶ تا ۱۸ داده‌اند که در کل نشان می‌دهد ۹۵٪ در این زمینه خود را در سطح خوب یا متوسطی می‌بینند. اما تنها ۱۰٪ دانش نظری خود را عالی (بین ۱۸ تا ۲۰) و ۵٪ قدرت نقد و ارزیابی خود را عالی می‌دانند که این نشان می‌دهد نهایتاً نسبت اندکی از نظر خودشان هم در سطح کاملاً مطلوب هستند. در تبیین این مسئله به بررسی فرضیه‌هایی می‌پردازیم که در تحقیق بر آنها تأکید شده بود.

کمیت و کیفیت تدریس دروس نظری

در مورد کافی بودن تعداد واحدهای نظری نزدیک به ۷۰٪ از دانشجویان دوره کارشناسی، ۶۰٪ از دانشجویان دوره کارشناسی ارشد و ۷۰٪ از دانشجویان دوره دکتری با عدم کفایت و کم بودن تعداد واحدها کاملاً موافق یا موافق بودند.

جدول ۱: نظر دانشجویان در مورد عدم کفایت تعداد واحدهای نظری (درصد)

مقطع	کاملاً موافق	موافق	بی نظر	مخالف	کاملاً مخالف
کارشناسی	۱۹/۴	۵۰/۴	۹/۳	۱۳/۲	۳/۱
کارشناسی ارشد	۱۵/۱	۴۳/۸	۲۴/۷	۱۳/۷	۲/۷
دکتری	۲۵	۴۵	۱۵	۱۰	۵

به نظر می‌رسد اساتید دروس نظری کمتر چنین برداشتی دارند: ۴۵٪ آنها مخالف کم بودن تعداد واحدهای نظری هستند و در مقابل ۴۶٪ موافق یا کاملاً موافق با کم بودن دروس نظری هستند. البته در اینجا هم نسبت استادانی که تعداد واحدهای نظری را کم می‌دانند اندکی بیشتر است.

در شاخص‌سازی برای کیفیت تدریس اساتید به استفاده مناسب از زمان، نوع منابع، دانش نظری (با توجه به نظر دانشجویان و اساتید و نیز سابقه تحصیلی و کاری، روزآمدی و مطالعه)، جانب‌داری نظری و ایجاد ارتباط میان مباحث نظری و تجربی توجه شد. نمره‌ای که به اساتید از نظر استفاده مناسب از زمان تدریس برای بحث‌های نظری و انتقال مطالب نظری داده می‌شود در مقاطع مختلف متفاوت است. به نظر ۴۰/۳٪ دانشجویان کارشناسی و حدود ۴۷٪ از دانشجویان کارشناسی ارشد فقط "تا حدی" از وقت کلاس برای بیان مطالب نظری و مثال‌های مرتبط با آن استفاده می‌شده است. این موضوع می‌تواند تا حدی تبیین‌کننده سطح پایین دانش نظری باشد. اما در دوره دکتری استفاده از وقت برای مطالب نظری بسیار بالاتر است و ۶۰٪ دانشجویان میزان خیلی زیاد و ۴۰٪ میزان زیادی از وقت کلاس را مرتبط با مباحث نظری می‌دانند.

جدول ۲: نظر دانشجویان درباره استفاده بهینه اساتید از زمان در کلاس‌های نظری (درصد)

مقطع	بسیار خوب	خوب	تاحدی	به ندرت
کارشناسی	۱۱/۶	۳۱/۸	۴۰/۳	۱۶/۳
کارشناسی ارشد	۹/۶	۲۶	۴۶/۶	۱۷/۸
دکتری	۶۰	۴۰	۰	۰

جدول ۳: نظر دانشجویان تحصیلات تکمیلی درباره استفاده بهینه

اساتید از زمان در کلاس‌های نظری در دوره کارشناسی (درصد)

مقطع	خیلی زیاد	زیاد	تاحدی	به ندرت
کارشناسی ارشد	۴/۱	۲۳/۳	۳۵/۶	۳۰/۱
دکتری	۵	۲۰	۳۰	۴۰

اما همان‌گونه که جدول ۳ نشان می‌دهد، از نظر ۳۵/۶٪ از دانشجویان کارشناسی ارشد در دوران تحصیل آنها در سطح کارشناسی بحث‌های کلاس‌های اصول روابط بین‌الملل "تا حدی" و از نظر ۳۰/۱٪ "به ندرت" به مطالب نظری اختصاص می‌یافته و تنها حدود ۲۷/۴٪

برآیند که در آن دوران وقت زیاد یا خیلی زیادی به این مباحث اختصاص می‌یافته است. در میان دانشجویان کارشناسی ارشد نیز تنها ۲۵٪ برآیند که در دوران کارشناسی آنها وقت زیاد یا خیلی زیادی به این مباحث اختصاص می‌یافته و به نظر ۳۰٪ "تا حدی" و به نظر ۴۰٪ "به ندرت" وقت کلاس به مباحث نظری و مثال‌های مرتبط می‌گذشته است. البته در تفسیر این مسئله هم می‌توان بهبود نسبی وضعیت کلاس‌های کارشناسی را دلیل این شکاف دانست و هم در تفسیری بدبینانه‌تر گفت که در مقاطع بالاتر با مقایسه کلاس‌ها دانشجویان دریافته‌اند که تا چه حد در کلاس‌های کارشناسی وقت صرف مسائل نامرتبط‌تر می‌شده است. اما اکثر اساتید در زمینه عملکرد خود آن را خوب یا بسیار خوب می‌دانند (۵۰٪ عملکرد خود را بسیار خوب می‌دانند). به نظر می‌رسد برداشت دانشجویان از عملکرد اساتید پایین‌تر از برداشت خود اساتید از عملکردشان است.

نوع منابع مورد استفاده در کارشناسی ۳۲/۶٪ از دانشجویان فعلی کارشناسی یک کتاب درسی، برای ۶۶/۶٪ کتاب درسی و منابع تکمیلی، برای ۷/۸٪ منابع منتخب و برای و برای ۲۵/۶٪ از دانشجویان یادداشت‌های کلاسی بوده است. با توجه به ماهیت دروس کارشناسی ارشد و اولویت وجود منبع به شکل کتاب درسی نسبت استفاده از کتاب درسی تقریباً پایین است و اینکه بیش از یک چهارم دانشجویان فقط متکی بر یادداشت‌های کلاسی بوده‌اند می‌تواند تا حدی تبیین‌کننده سطح پایین دانش نظری باشد. منابع مورد استفاده در کارشناسی ارشد برای ۳۴/۲٪ دانشجویان یک کتاب اصلی و منابع اضافی و برای ۲۶٪ از دانشجویان مجموعه‌ای از فصول کتاب‌ها و مقالات و برای ۹/۶٪ یک کتاب درسی واحد بوده است. اتکای صرف بر یادداشت‌های کلاسی برای ۱۶/۴٪ از دانشجویان نیز نامناسب بودن منابع را نشان می‌دهد. منابع مورد استفاده در دکتری برای ۷۰٪ از دانشجویان مجموعه مقالات و فصول کتاب‌ها و برای ۵٪ یک کتاب درسی و برای بقیه مجموعه‌ای از اینها و یادداشت‌های کلاسی بوده است.

جدول ۴: نظر دانشجویان درباره استفاده اساتید از نوع منابع برای تدریس (درصد)

مقطع	کتاب درسی (تنها یا با منابع تکمیلی)	مجموعه مقالات منتخب	یادداشت‌های کلاسی
کارشناسی	۶۶/۶	۷/۸	۲۵/۶
کارشناسی ارشد	۶۴/۳	۱۶/۵	۱۹/۲
دکتری	۲۵	۷۵	۰

نکته جالب توجه این است که هیچیک از اساتید اعلام نکرده‌اند که دانشجویانشان فقط از یادداشت‌های سرکلاسی به عنوان منبع استفاده می‌کنند. این نشان می‌دهد که احتمالاً به رغم معرفی متون مطالعاتی از سوی اساتید، برخی از دانشجویان به ویژه در سطح پایین‌تر از دکتری خود را موظف به استفاده از آنها نمی‌بینند.

دانشجویان در ارزیابی دانش اساتید خود در دروس نظری کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در کل برداشتی مثبت داشتند. جدول ۳ نظرات دانشجویان را نشان می‌دهد. اما آنچه از تحلیل پرسشنامه اساتید در مورد دانش نظری خود برمی‌آید این است ۷۵٪ خود را در سطحی بسیار خوب (۱۸ تا ۲۰) یا خوب (۱۶ تا ۱۸/۹۹) ارزیابی کرده و ۱۲/۵٪ هم با دادن نمره ۱۴ تا ۱۵/۹۹ خود را متوسط یا پایین‌تر ارزیابی می‌کنند.

جدول ۵: نظر دانشجویان در مورد دانش نظری اساتید

مقطع	عالی	خوب	متوسط	ضعیف
کارشناسی	۵۱/۹	۳۱/۸	۲۱/۷	۱۶/۳
کارشناسی ارشد	۴۳/۸	۳۸/۴	۱۲/۳	۴/۱
دکتری	۷۵	۲۰	۵	۰

در زمینه ارتباط سابقه تحصیلی با مباحث نظری، رشته تحصیلی ۴۵٪ از اساتید علوم سیاسی، ۲۷٪ روابط بین‌الملل و ۱۸٪ سایر رشته‌ها بوده‌است. ۸۳٪ بیش از ده سال سابقه تدریس در دانشگاه دارند و اکثراً بیش از پنج بار درس اصول روابط بین‌الملل و نظریه‌های روابط بین‌الملل کارشناسی ارشد را تدریس کرده‌اند. موضوع پایان‌نامه کارشناسی ارشد هیچکس کاملاً مرتبط با مسائل نظری نبوده اما ۳۶٪ بسیار مرتبط و ۴۵٪ تا حدی مرتبط بوده‌است. موضوع پایان‌نامه دکتری ۳۶٪ کاملاً مرتبط، ۳۶٪ بسیار مرتبط و ۲۷٪ تا حدی مرتبط بوده‌است.

میزان مطالعات نظری فقط برای ۹٪ از اساتید بیش از ۷۵٪ کل مطالعات علمی آنها را تشکیل می‌دهد، برای ۵۴٪ از اساتید بین ۵۰ تا ۷۵٪، برای ۲۷٪ بین ۲۵ تا ۵۰٪ و برای ۹٪ کمتر از ۲۵٪ از مطالعات علمی‌شان را تشکیل می‌دهد. این امر تا حدی مربوط می‌شود به این مسئله که اساتید غیر از دروس نظری هم تدریس می‌کنند. هیچکس ۱۰۰٪ دروسی که تدریس می‌کند نظری نیست، ۱۸٪ بیش از ۷۵٪ دروسی که تدریس می‌کنند، ۵۴٪ بیش از نیمی از دروس و ۲۷٪ کمتر از نیمی از دروسی که تدریس می‌کنند نظری است.

روزآمدی مطالعات بر اساس آخرین مطالعه نظریه استاد نشان می‌دهد که ۸۲٪ کمتر از یک ماه پیش متنی نظری مطالعه کرده‌اند و ۱۸٪ بین یک تا سه ماه پیش و این سطح بسیار خوب روزآمدی را در میان اکثریت اساتید نشان می‌دهد. جالب توجه آنکه ۷۵٪ فقط مطالعات به انگلیسی و ۱۲/۵٪ به فارسی و انگلیسی و فقط ۱۲/۵٪ فقط به زبان فارسی بیشتر مطالعه خود را دارند.

میزان تولیدات نظری (مستقیم یا جنبی) اساتید فقط برای ۹٪ بیش از ۷۵٪ کل انتشارات آنها، برای ۵۴٪ بین ۵۰ تا ۷۵ درصد کل انتشارات، برای ۲۷٪ بین ۲۵ تا ۵۰ درصد از کل

انتشارات و برای ۹٪ کمتر از ۲۵ درصد از کل انتشاراتشان است. در کل به نظر می‌رسد تمرکز نظری در اساتید در سطح کاملاً مطلوبی نیست. در این مورد که آیا در سطح کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری نظریه‌های روابط بین‌الملل جانبدارانه و با تأکید بر نظریه‌های خاصی تدریس می‌شوند یا خیر،^۱ به نظر می‌رسد دانشجویان کارشناسی بیشتر با واقع‌گرایی آشنا می‌شوند و در وهله دوم با لیبرالیسم و کمتر با همه نظریه‌ها آشنا شده‌اند. در سطح کارشناسی ارشد، بیش از ۵۰٪ پاسخ دهندگان اعلام کرده‌اند با همه نظریه‌ها آشنا شده‌اند. این نسبت برای دانشجویان دکتری به ۹۰٪ می‌رسد. اما هنگامی که از دانشجویان سؤال می‌شود که کدام نظریه را بهتر می‌شناسند نزدیک به ۵۰٪ دانشجویان کارشناسی و ۴۹٪ از دانشجویان کارشناسی ارشد، و نزدیک به ۴۰٪ از دانشجویان دکتری واقع‌گرایی را نام می‌برند و در کل سه مقطع تنها ۰/۸٪ از دانشجویان کارشناسی اعلام کرده‌اند که واقع‌گرایی و ۱۴٪ هیچ نظریه‌ای (شامل واقع‌گرایی) را نمی‌شناسند و بقیه همه با این نظریه آشنایی دارند. در مقابل به نظر می‌رسد شناخت از مکتب انگلیسی در کارشناسی و کارشناسی ارشد در حداقل است: نسبت عدم شناخت کامل از این نظریه در کارشناسی و کارشناسی ارشد همچنان بالای ۵۰٪ و در دوره دکتری ۱۰٪ است. شناخت از نظریه‌های جدید و انتقادی نیز نسبتاً پایین است و حدود ۱۸٪ از دانشجویان کارشناسی (در کنار ۱۴٪ که کلاً نظریه‌ها را نمی‌شناسند) و ۱۲/۳٪ در کارشناسی ارشد شناختی از این نظریه‌ها ندارند. نظر دانشجویان در مورد شناخت خود از نظریه‌های مختلف (جدا از آموزش آنها) در جدول ذیل نشان داده شده است. این در حالی است که ۴۵٪ از اساتید پاسخ دهنده اعلام کرده‌اند که همه نظریه‌ها را تدریس می‌کنند، ۲۷٪ نظریه‌های انتقادی (پساتجددگرایی، فمینیسم و انتقادی) را تدریس نمی‌کنند و ۳۶٪ جامعه‌شناسی تاریخی را تدریس نمی‌کنند. می‌توان عدم کفایت شناخت دانشجویان از نظریه‌های جدید را تا حدی به عدم تدریس این نظریه‌ها نسبت داد.

اما می‌توان این جانبداری یا تورش (bias) به سمت واقع‌گرایی را ناشی از تمرکز بیشتر تدریس بر واقع‌گرایی و در نتیجه آشنایی و حتی تعلق بیشتر فکری به این نظریه بر این اساس دانست. اما ۶۲/۵٪ از اساتید مخالف و کاملاً مخالف با این هستند که استاد می‌تواند به صلاح‌دید خود فقط نظریه‌هایی را که مناسب می‌داند تدریس کند و ۷۵٪ مخالف یا کاملاً مخالف با این هستند که استاد باید نظریه‌هایی را که صلاح می‌داند تدریس کند. پس حداقل به لحاظ نظری اکثر اساتید جانبداری به سمت تدریس نظریه‌های خاص را نمی‌پذیرند. این در

۱. جالب توجه است که حدود ۵ درصد از پاسخ دهندگان مقطع کارشناسی و ۱/۵ درصد دانشجویان کارشناسی ارشد اعلام کرده‌اند که با هیچ نظریه‌ای در سطح کارشناسی آشنا نشده‌اند.

حالی است که در کل به نظر اکثر دانشجویان زمان نسبتاً برابر و مناسبی برای تدریس همه نظریه‌ها در نظر گرفته نمی‌شود. همان‌گونه که در بالا ذکر شد، اکثریت دانشجویان با واقع‌گرایی بیشتر از سایر نظریه‌ها آشنایی دارند. ۴۹/۶٪ از دانشجویان کارشناسی، ۴۹/۳٪ از دانشجویان کارشناسی ارشد، و ۲۵٪ از دانشجویان دکتری واقع‌گرایی را از همه نظریه‌ها بهتر می‌شناسند. اما عجیب آن که به نظر می‌رسد اکثر اساتیدی که دروس نظری روابط بین‌الملل را تدریس می‌کنند اساساً هیچیک از نظریه‌ها را بهترین چارچوب تحلیل و تبیینی روابط بین‌الملل نمی‌دانند. جدول ۷ نظر اساتید را نشان می‌دهد.

جدول ۶: برداشت دانشجویان از کفایت قابل قبول شناخت خود از نظریه‌های مختلف (درصد)

مقطع	واقع‌گرایی	لیبرالیسم	مکتب انگلیسی	نظریه‌های جدید	هیچکدام
کارشناسی	۶۷/۶	۳۱/۹	۳/۹	۴/۲۷	۱۰/۱
کارشناسی ارشد	۷۶/۷	۳۰/۱	۴/۱	۸/۲	۴/۱
دکتری	۹۵	۹۰	۹۰	۹۵	۰

جدول ۷: نظر اساتید درباره بهترین چارچوب نظری برای تحلیل روابط بین‌الملل (به درصد)

نظریه	کاملاً موافق	موافق	بی‌نظر	مخالف	کاملاً مخالف
واقع‌گرایی	۱۸	۹	۰	۶۳	۹
لیبرالیسم			۱۰	۹۰	۰
امپریالیسم	۹		۹	۶۳	۱۸
سازه‌نگاری/مکتب انگلیسی	۱۸	۲۷	۰	۵۴	۰
پسانتاب‌گرایی		۱۸	۹	۶۳	۰

حال باید دید تا چه حد در مقاطع مختلف نظریه‌های مختلف آموزش داده شده‌اند. جدول ۸ آموزش نظریه‌های مختلف را در مقاطع مختلف نشان می‌دهد. این یافته‌ها با یافته‌های مربوط به تدریس اساتید نیز که در بالا به آنها اشاره شد کم و بیش همخوانی دارد و حاکی از آن است که بسیاری از دانشجویان در سطح کارشناسی و کارشناسی ارشد بیشتر با واقع‌گرایی و لیبرالیسم آشنا می‌شوند تا سایر نظریه‌ها. در اینجا با توجه به جدول ۸ به نظر می‌رسد آشنایی بیشتر با سایر نظریه‌ها و نقد آنها در مقطع دکتری تا حدی در کاهش دید کاملاً مثبت به این نظریه و شکل گرفتن نوعی منحنی نرمال از نگرش‌ها نقش داشته است.

جدول ۸: آموزش دیدگی در زمینه نظریه‌ها در مقاطع مختلف از دید دانشجویان (درصد)

مقطع	واقع‌گرایی	لیبرالیسم	مکتب انگلیسی	نظریه‌های جدید	هیچکدام
کارشناسی	۷۲/۶	۴۹/۶	۰	۴۱/۹	۴/۷
کارشناسی ارشد	۱۰۰	۸۵	۵۲/۱	۵۲/۱	۰
دکتری	۹۵	۹۰	۹۰	۹۵	۰

عدم آموزش لازم برای کاربری مباحث انتزاعی و نظری در مورد مسائل عینی به طور خاص هم می‌تواند هم در کلاسهای نظری صورت گیرد و هم در کلاس‌هایی که به مسائل بین‌المللی، منطقه‌ای، جاری، تاریخی و ... اختصاص دارند. حدود ۸۲٪ از اساتید درس نظری کاملاً موافق یا موافق با این گویه هستند که هدف اصلی درس نظری "هدایت مطالعات تجربی است" و ۱۰۰٪ کاملاً موافق یا موافق هستند که هدف اصلی "بالا بردن قدرت تحلیلی است." پس می‌توان انتظار داشت رابطه میان نظریه‌ها و مباحث تجربی باید وجود داشته باشد.

جدول ۹: نظر دانشجویان درباره کاربری مباحث نظری از سوی اساتید

در مسائل عینی در درس اصول روابط بین‌الملل در کارشناسی (درصد)

مقطع	بسیار زیاد	زیاد	تا حدی	بسیار به ندرت
کارشناسی	۹/۳	۲۸/۷	۴۶/۵	۱۳/۲
کارشناسی ارشد	۱/۴	۱۲/۳	۴۶/۶	۳۵/۶
دکتری	۰	۲۰	۴۰	۳۵

در جدول ۹ نظر دانشجویان کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در باره ایجاد ارتباط میان بحث‌های نظری و تجربی در درس اصول روابط بین‌الملل دوره کارشناسی و در جدول ۱۰ نظر دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری درباره ایجاد ارتباط میان بحث‌های نظری و تجربی در درس تئوری‌های روابط بین‌الملل دوره کارشناسی ارشد را می‌توان دید. مشخص است که نظر اکثر دانشجویان این است که فقط تا حدی یا به ندرت این کار صورت می‌گرفته است.

جدول ۱۰: نظر دانشجویان درباره کاربری مباحث نظری

در مسائل عینی در درس تئوری‌های روابط بین‌الملل در کارشناسی ارشد (درصد)

مقطع	بسیار زیاد	زیاد	تا حدی	بسیار به ندرت
کارشناسی ارشد	۲/۷	۲۸/۸	۴۷/۹	۲۰/۵
دکتری	۱۰	۲۰	۶۰	۱۰

به نظر می‌رسد در دوره دکتری در درس نقد و ارزیابی نظریه‌های روابط بین‌الملل توجه به کاربری مباحث‌های نظری در مسائل عینی افزایش می‌یابد. ۴۰٪ دانشجویان آن را خیلی زیاد، ۲۰٪ زیاد، ۳۵٪ تا حدی و فقط ۵٪ به ندرت ارزیابی کرده‌اند. اما این نسبت در درس تحول مفاهیم در روابط بین‌الملل کمتر بوده است.

جدول ۱۱: نظر دانشجویان دوره دکتری درباره کاربری مباحث نظری

در مسائل عینی در درس‌های نقد و ارزیابی و تحول مفاهیم (درصد)

درس	بسیار زیاد	زیاد	تا حدی	بسیار به ندرت
نقد و ارزیابی	۴۰	۲۰	۳۵	۵
تحول مفاهیم	۲۵	۱۵	۴۰	۱۰

این در حالی است که اکثر اساتید (۸۱٪) هم مشکل مانع از انجام پژوهش های مبتنی بر چارچوب های نظری را "نبود پیوند میان دروس نظری و روش شناختی" و هم (۷۳٪) مشکل را ناشی از عدم توجه اساتید سایر دروس به مباحث نظری می دانند.

کمیت و کیفیت منابع نظری موجود

در مورد کمیت منابع موجود نظری، ۶۳٪ دانشجویان کارشناسی، نزدیک به ۷۰٪ دانشجویان کارشناسی ارشد و ۹۰٪ دانشجویان دکتری کاملاً موافق یا موافق با این هستند که منابع موجود نظری به زبان فارسی کم است. به نظر می رسد علاوه بر برداشت مشترک در همه مقاطع از کمی منابع به زبان فارسی، این احساس نیاز به منابع در مقاطع بالاتر بیشتر وجود دارد که این ناشی از نیاز به منابع متعددتر فراتر از کتاب های درسی و به ویژه کمبود آثار کلاسیک است.

جدول ۱۲: نظر دانشجویان درباره کمیت پایین منابع نظری فارسی (درصد)

مقطع	کاملاً موافق	موافق	بی نظر	مخالف	کاملاً مخالف
کارشناسی	۹۳	۵۳/۷	۳۰/۲	۱۴/۷	۰
کارشناسی ارشد	۲۶	۵۳/۴	۱۵/۱	۴/۱	۱/۴
دکتری	۶۵	۲۵	۰	۵	۵

در مورد کیفیت منابع موجود نظری به زبان فارسی، ۵۲٪ از دانشجویان کارشناسی، ۴۸٪ از دانشجویان کارشناسی ارشد و ۵۰٪ از دانشجویان دکتری کاملاً موافق یا موافق با این نکته هستند که منابع موجود نظری به زبان فارسی غیرقابل فهم هستند. اینکه در همه مقاطع حدود نیمی از دانشجویان منابع را کم و بیش غیرقابل فهم می دانند تا حدی می تواند هم تبیین کننده و هم نتیجه کم بودن دانش نظری تلقی شود. به نظر می رسد در این مورد که رابطه در کدام جهت می تواند باشد نمی توان به اطمینان رسید. به دلیل عدم تفکیک میان متون ترجمه و تألیف شده و عدم تفکیک میان کتاب های درسی و کمک درسی نتیجه گیری خاص از این یافته ها صورت نگرفت. بررسی دقیق این رابطه مستلزم استفاده از روش های مکمل است. در عین حال، حاکی از نیاز به تهیه متون مناسب با فهم دانشجویان است.

جدول ۱۳: نظر دانشجویان درباره کیفیت نامناسب منابع نظری فارسی (درصد)

مقطع	کاملاً موافق	موافق	بی نظر	مخالف	کاملاً مخالف
کارشناسی	۱۰/۱	۴۱/۹	۲۲/۵	۲۰/۹	۰
کارشناسی ارشد	۵/۵	۴۲/۵	۲۰/۵	۳۱/۵	۰
دکتری	۱۵	۳۵	۲۰	۲۵	۵

اهمیت این مسئله هنگامی روشن می‌شود که می‌بینیم به نظر اساتید اکثر دانشجویان کارشناسی به دشواری (۳۷/۵٪) یا به هیچ‌وجه (۵۰٪) و اکثر دانشجویان کارشناسی ارشد با دشواری (۶۲/۵٪) امکان استفاده از متن‌های غیرفارسی را دارند. هرچند که بر مبنای اعلام اساتید، ۹٪ اغلب متن غیرفارسی برای دانشجویان کارشناسی و ۱۸٪ اغلب متن غیرفارسی برای دانشجویان کارشناسی ارشد در نظر می‌گیرند. این امر با توجه به برداشت از دانش زبان دوم دانشجویان مسلماً مشکل‌آفرین تلقی می‌شود.

میزان علاقه و نوع نگرش نسبت به مباحث نظری در روابط بین‌الملل

این فرضیه که بی‌علاقگی دانشجویان به مباحث نظری در روابط بین‌الملل در عدم استفاده مناسب از نظریه‌ها در تحقیقات مؤثر است مورد بررسی قرار گرفت و مورد تأیید قرار نگرفت. ۵۱/۲٪ از دانشجویان کارشناسی، ۷۱/۲٪ از دانشجویان کارشناسی ارشد، و ۸۰٪ از دانشجویان دکتری اعلام کردند که به درس‌های نظری علاقه زیادی دارند. با توجه به اینکه علاقه به دروس نظری در بیشترین میزان آن در علاقه به تدریس نظریه‌ها می‌تواند انعکاس یابد، نظر دانشجویان در این مورد سنجیده شد که آیا علاقه دارند دروس نظری تدریس کنند که نتیجه به این شکل بود: ۳۴/۱٪ از دانشجویان کارشناسی، ۴۷/۹٪ از دانشجویان کارشناسی ارشد، و ۸۰٪ از دانشجویان دکتری اعلام کردند که چنین علاقه‌ای دارند. البته باید دقت داشت که تنها دانشجویان دوره دکتری هستند که آینده شغلی قطعی خود را اساساً در تدریس می‌بینند و نسبت بالای این علاقه‌مندی در میان آنها معنادارتر از سایر مقاطع است. اوج بی‌علاقگی را می‌توان در تأکید بر حذف دروس نظری یافت. از میان دانشجویان کارشناسی ۸۲/۹٪، کارشناسی ارشد ۸۷/۶٪، و دانشجویان دکتری ۹۰٪ مخالف یا کاملاً مخالف با این گویه بوده‌اند که حذف دروس نظری آسیبی به رشته روابط بین‌الملل نمی‌زند. در نتیجه باز هم با وجود رد فرضیه بی‌علاقگی کامل به دروس نظری، میزان این بی‌علاقگی در مقاطع تحصیلات تکمیلی بسیار کمتر می‌شود. این نشان می‌دهد که علاقه‌مندی به مباحث نظری در سطوح بالاتر تحصیلی افزایش می‌یابد.^۱

گاه این نظر مطرح می‌شود که کار پژوهشی ارتباطی با نظریه ندارد یا اشکالی در نظریه‌های موجود هست که منجر به نامربوط بودن یا عدم امکان استفاده مناسب از نظریه در پژوهش و در عمل می‌شود. این می‌تواند به معانی مختلف و ناشی از برداشت‌های متفاوت باشد. در

۱. البته نمی‌توان از این پژوهش این نکته را احراز کرد که آیا دانشجویان علاقه‌مند به مسائل نظری به تحصیلات تکمیلی بیشتر روی می‌آورند یا آموزش نظری در تحصیلات تکمیلی این علاقه را افزایش می‌دهد. احراز این مسئله نیازمند تحقیق جداگانه است.

نگرش اساتید چنین برداشتی وجود ندارد. اکثر اساتید (۷۲٪) نظریه‌های موجود را مناسب می‌دانند، ۵۴٪ با اینکه مشکل در نداشتن نظریه بومی یا عدم تأکید بر دیدگاه‌های فقهی است مخالفند، ۷۴٪ دانش نظری روابط بین‌الملل را جهانشمول تلقی می‌کنند، و همگی با اینکه تکثر نظری مانع از استفاده عملی از مباحث شود مخالفند.

میزان مطالعات نظری دانشجویان در مقاطع مختلف به این شکل بود که ۵۸/۱٪ از دانشجویان کارشناسی بین ۱ تا ۳ کتاب نظری در روابط بین‌الملل مطالعه کرده‌اند و ۱۸/۶٪ هیچ کتاب نظری مطالعه نکرده‌اند. مطالعه مقاله نظری برای ۴۰/۳٪ دانشجویان کارشناسی در سطح صفر و برای ۴۱/۱٪ در حد ۱ تا ۵ مقاله بوده است. در میان دانشجویان کارشناسی ارشد ۳۵/۶٪ بین ۱ تا ۳ کتاب خوانده‌اند و ۵/۵٪ هیچ کتابی در این حوزه مطالعه نکرده‌اند. همچنین ۹/۶٪ هیچ مقاله نظری نخوانده و ۴۲/۵٪ تنها بین ۱ تا ۵ مقاله نظری مطالعه کرده‌اند. این نشان دهنده سطح پایین مطالعات نظری در دو دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد است. اما در دوره دکتری، ۸۵٪ دانشجویان بیش از ۵ کتاب و ۱۰۰٪ دانشجویان بیش از ۱۰ مقاله نظری مطالعه کرده‌اند که افزایش چشمگیر است.

جدول ۱۴: میزان مطالعه نظری دانشجویان شامل مقاله و کتاب (درصد)

مقطع	هیچ	کم	متوسط	زیاد	بدون- جواب
کارشناسی	۲۹/۵	۴۹/۵	۱۴/۴	۶/۶	۰
کارشناسی ارشد	۷/۵	۳۹/۱	۳۱/۵	۱۹/۹	۳
دکتری	۰	۰	۷/۵	۹۲/۵	۰

در اینجا چند فرضیه نیز درباره نگاه دانشجویان به نظریه‌ها و نقش آنها در تحقیقات و

عمل در روابط بین‌الملل مورد واری قرار گرفت که ذیلاً به آنها اشاره می‌شود.

(۱) به نظر اکثر دانشجویان نظریه‌های روابط بین‌الملل هیچ فایده عملی در مطالعات و تحقیقات ندارند: با توجه به اینکه ۹۰٪ از دانشجویان دکتری، ۸۶/۳٪ از دانشجویان کارشناسی ارشد و ۷۵/۲٪ از دانشجویان کارشناسی با این گزاره مخالف بودند، این فرضیه رد شد. نکته جالب توجه این است که به نظر می‌رسد با آموزش بیشتر نسبت به نظریه‌ها نظر مثبت دانشجویان در مقاطع بالاتر بیشتر می‌شود.

(۲) به نظر اکثر دانشجویان رشته روابط بین‌الملل از لحاظ نظری فقیر است: با توجه به اینکه ۵۲٪ دانشجویان کارشناسی، ۶۴/۳٪ از دانشجویان کارشناسی ارشد و ۷۰٪ از دانشجویان دکتری با این گزاره مخالف یا کاملاً مخالف بودند این فرضیه رد شد.

۳) به نظر اکثر دانشجویان نظریه‌های روابط بین‌الملل غربی و فقط برای اهداف و منافع این کشورها مفید است: با توجه به اینکه ۶۰/۴٪ دانشجویان کارشناسی، ۸۲/۲٪ از دانشجویان کارشناسی ارشد و ۷۰٪ از دانشجویان دکتری با این گزاره مخالف یا کاملاً مخالف بودند این فرضیه رد شد.

۴) به نظر اکثر دانشجویان درس‌های نظری روابط بین‌الملل فلسفی هستند و نه روابط بین‌المللی: با توجه به اینکه صرفاً ۳۸٪ دانشجویان کارشناسی، ۳۱/۵٪ از دانشجویان کارشناسی ارشد و ۲۰٪ از دانشجویان دکتری با این گزاره موافق یا کاملاً موافق بودند، این فرضیه رد شد. بحث دیگر که در اینجا می‌تواند مطرح شود، باور به جهان‌شمول نبودن نظریه‌های موجود روابط بین‌الملل و نیاز به جایگزینی آنها با نظریه بومی است. در اینجا نیز چند فرضیه مطرح و بررسی شدند که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

۱) به نظر اکثر دانشجویان به نظریه بومی روابط بین‌الملل نیاز داریم: با توجه به اینکه ۶۲/۸٪ دانشجویان کارشناسی، حدود ۵۹٪ از دانشجویان کارشناسی ارشد و ۶۰٪ از دانشجویان دکتری با این گزاره موافق بودند این فرضیه قابل قبول تلقی شد. در عین حال، فرضیه دیگر که در این زمینه مطرح شد این بود که:

۲) به نظر اکثر دانشجویان امکان نظریه‌پردازی بومی وجود دارد: در اینجا ۶۸/۲٪ از دانشجویان کارشناسی، ۴۶/۵٪ از دانشجویان کارشناسی ارشد، و ۴۵٪ از دانشجویان دکتری موافق یا کاملاً موافق با این گزاره بودند. این نشان می‌دهد که با وجود احساس نیاز، به امکان‌پذیری آن خوشبینی کمتر وجود دارد و این خوشبینی در مقاطع بالاتر کمتر هم می‌شود. لازم است در این زمینه تحقیقی مجزا انجام گیرد تا روشن شود دلایل کم دیدن امکان نظریه‌پردازی بومی از دید دانشجویان چیست. اما به هر حال، به نظر دانشجویان مشکل در اینجا نیست. بنابه فرضیه سوم:

۳) به نظر اکثر دانشجویان مشکل در تحقیقات ناشی از نداشتن نظریه بومی در مورد روابط بین‌الملل است: با توجه به اینکه ۳۸٪ دانشجویان کارشناسی، ۲۲/۹٪ از دانشجویان کارشناسی ارشد و ۳۰٪ از دانشجویان دکتری با این گزاره موافق یا کاملاً موافق بودند این فرضیه رد شد. به علاوه این فرضیه مقابل که:

۴) به نظر اکثر دانشجویان نظریه‌های روابط بین‌الملل جهان‌شمول هستند: با توجه به اینکه ۶۰/۵٪ از دانشجویان کارشناسی، ۸۰/۸٪ از دانشجویان کارشناسی ارشد و ۵۵٪ از دانشجویان دکتری با آن موافق بودند، تأیید می‌شود. در کل به نظر می‌رسد اساساً نمی‌توان عدم استفاده مناسب از نظریه‌ها در مباحث تجربی و پژوهش را ناشی از نگرش منفی

دانشجویان نسبت به غنای نظری، مشکل دار بودن نظریه‌های موجود یا عدم امکان کاربرد آنها در مطالعات تجربی دانست. اما کم مطالعه بودن در حوزه مسائل نظری را می‌توان تا حدی مؤثر تلقی کرد.

نتیجه

با توجه به یافته‌های پژوهش انجام شده روی نمونه نتایجی درباره فرضیه‌های مطرح شده به دست آمد که ذیلاً به آنها اشاره می‌شود.

- کم بودن تعداد واحدهای نظری در رشته روابط بین‌الملل تا حدی در پایین بودن سطح دانش نظری رشته روابط بین‌الملل در ایران مؤثر است.
 - کیفیت تدریس دروس نظری در رشته روابط بین‌الملل بخصوص از نظر چگونگی تخصیص زمان در کلاس، نوع منابع و جانبداری نظری تا حدی در پایین بودن سطح دانش نظری رشته روابط بین‌الملل در ایران مؤثر است. پایین بودن دانش نظری اساتید با وجودی که از نظر خودشان و دانشجویان تأیید نشد، اما با توجه به ملاک‌هایی چون نوع و میزان مطالعه و به ویژه تولیدات علمی تا حدی قابل تأمل است. عدم آموزش ارتباط میان مباحث نظری و تجربی / پژوهشی به ویژه با توجه به نبود ارتباط وثیق میان دروس نظری و روش تحقیق در پایین بودن سطح دانش نظری رشته روابط بین‌الملل در ایران مؤثر است.
 - کمیت و به ویژه کیفیت منابع نظری در پایین بودن سطح دانش نظری رشته روابط بین‌الملل در ایران مؤثر است.
 - نقش بی‌علاقگی و نگرش منفی دانشجویان به مباحث نظری در پایین بودن سطح دانش نظری رشته روابط بین‌الملل در ایران احراز نشد. اما کم بودن میزان مطالعه دانشجویان تا حدی در پایین بودن سطح دانش نظری رشته روابط بین‌الملل در ایران مؤثر است.
 - اینکه نگرش نسبت به اهمیت و نقش نظریه‌ها در کل و در پژوهش عاملی مؤثر در پایین بودن سطح دانش نظری رشته روابط بین‌الملل در ایران است نیز احراز نشد.
- در کل، به نظر می‌رسد تفاوت عمده دوره دکتری با کارشناسی و کارشناسی ارشد که منجر به برداشت مطلوب‌تر دانشجویان از دانش خود شده است در تخصیص بهتر زمان کلاس به مباحث نظری و میزان مطالعه بیشتر دانشجویان است که ناشی از نقش کمتر یادداشت‌های کلاسی و تأکید بیشتر بر منابع کتبی است. البته از دانشجویان در مورد مطالعه خارج از برنامه درسی سئوالی نشده بود تا مشخص شود که آیا مطالعه اضافی هم دارند یا خیر.
- مشکلات اصلی مشترک همه مقاطع بنا به نظر دانشجویان می‌تواند به کمیت و کیفیت نامناسب منابع و تعداد کم واحدهای تخصیص یافته به مباحث نظری مربوط شود. همچنین

باید به عدم تمرکز اساتید تدریس‌کننده در این حوزه چه از لحاظ تدریس، چه مطالعه و چه انتشارات هم مد نظر قرار گیرد. مشکلات خاص‌تر در مقاطع کارشناسی و ارشد به تأکید کمتر بر برخی از نظریه‌ها، اتکا بر یادداشت‌های کلاسی به جای منابع مکتوب، عدم استفاده بهینه از زمان کلاس، و نداشتن مطالعات نظری کافی مربوط می‌شوند که بخشی از مشکلات مطالعاتی به کمیت و کیفیت منابع مربوط می‌شود.

منابع و مأخذ:

الف. فارسی:

۱. ازغندی، علیرضا (۱۳۷۸)، علم سیاست در ایران. تهران: باز.
۲. رابین، آلن (۱۳۷۲)، فلسفه علوم اجتماعی. ترجمه عبدالکریم سروش. تهران: نشر صراط.
۳. سلیمی، حسین (ویراستار) (۱۳۸۸)، بررسی وضعیت آموزش و پژوهش در ایران. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۴. عامری، هوشنگ (۱۳۷۴)، اصول روابط بین‌الملل. تهران: آگه.
۵. قوام، عبدالعلی (۱۳۸۴ الف)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل. تهران: سمت.
۶. قوام، عبدالعلی (۱۳۸۴ ب)، روابط بین‌الملل: نظریه‌ها و رویکردها. تهران: سمت.
۷. لیتل، دانیل (۱۳۷۳)، تبیین در علوم اجتماعی. ترجمه عبدالکریم سروش. تهران: صراط.
۸. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۸)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل. چاپ چهارم. تهران: سمت.
۹. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۹)، "نظریه و پژوهش در روابط بین‌الملل در ایران: مطالعه موردی رساله‌های دکتری"، پژوهشنامه علوم سیاسی ۱۸.
۱۰. مصفا، نسربین (۱۳۸۵)، سیری در تحولات آموزشی و پژوهشی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۱۱. میلیکن، جنیفر (۱۳۸۵)، "مطالعه گفتمان در روابط بین‌الملل: نقد پژوهش و روش"، پژوهش حقوق و سیاست ۲۱: ۲۰۹-۲۵۳.
۱۲. مرکز مطالعات، تحقیقات و ارزشیابی آموزشی (۱۳۷۵ الف) «مشخصات کلی برنامه و سرفصل دروس دوره کارشناسی علوم سیاسی». قابل دسترسی در <http://motaleat.sanjesh.org/saman/reshteha.php> (تاریخ دسترسی ۱۳۸۹/۹/۲۰).
۱۳. مرکز مطالعات، تحقیقات و ارزشیابی آموزشی (۱۳۷۵ ب) «مشخصات کلی برنامه و سرفصل دروس دوره کارشناسی روابط سیاسی (دیپلماتیک، شاخه‌ای از علوم سیاسی)». قابل دسترسی در <http://motaleat.sanjesh.org/saman/reshteha.php> (تاریخ دسترسی ۱۳۸۹/۹/۲۰).
۱۴. مرکز مطالعات، تحقیقات و ارزشیابی آموزشی (۱۳۷۵ پ) «مشخصات کلی برنامه و سرفصل دروس دوره کارشناسی روابط بین‌الملل». <http://motaleat.sanjesh.org/sarfasl/makefile1.php?id=60>
۱۵. مرکز مطالعات، تحقیقات و ارزشیابی آموزشی (بی‌تا) «معرفی رشته‌ها». قابل دسترسی در <http://motaleat.sanjesh.org/saman/reshteha.php> (تاریخ دسترسی ۱۳۸۹/۹/۲۰).

ب. خارجی:

1. Bailey, Kenneth D. (1982) **Methods of Social Research**. New York: Free Press.

2. Burchill, Scott, Andrew Linklater, Richard Devetak, Jack Donnelly, Matthew Paterson, Christian Reus-Smit and Jacqui True (2005) **Theories of International Relations**. 3rd Edition. Houndmills: Palgrave Macmillan.
3. Der Derian, J., ed. (1995) **International Theory: Critical Investigations**. London: Macmillan.
4. Freidan, Jeffry and David Lake (2005) "International Relations as a Social Science: Rigor and Relevance." **The Annals of the American Academy of Political and Social Science** 600: 136-156.
5. Hocking, Brian and Michael Smith (1996) **World Politics: An Introduction to International Relations**. Upper Saddle River, NJ: Prentice Hall.
6. Jackson, Robert and Georg Sorensen (2010) **Introduction to International Relations: Theories and Approaches**. Oxford: Oxford University Press.
7. Jones, R.J. Barry, Peter Jones, Ken R. Dark, and Joel Peters (2001) **Introduction to International Relations: Problems and Perspectives**. Manchester: Manchester University Press.
8. Mesbahi, Mohiaddin (2009) "IR Scholars and International Systems: Learning and Socialization." **International Political Sociology** 3, 3: 346-50.
9. Mingst, Karen (2008) **Essentials of International Relations**. New York: W.W.Norton.
10. Moshirzadeh, Homeira (2009) "A Hegemonic 'Discipline' in an 'Anti-Hegemonic' Country." **International Political Sociology** 3, 3: 342-46.
11. Sariolghalam, Mahmood (2009) "Accomplishments and Limitations in IR." In Arlene B. Tickner and Ole Wæver (eds) **International Relations Scholarship around the World**. London and New York: Routledge: 158-71.
12. Sutton, Rebecca (1999) **The Policy Process: An Overview**. London: Overseas Development Institute.
13. Turner, Jonathan H. (1974) **The Structure of Sociological Theory**. Homewood, Ill: Dorsey Press.
14. University of Notre Dame (2009) "Introduction to International Relations," available at: <http://www.nd.edu/~dlindley/govt241/govt241syllabus.html> (last access 2010/12/10).
15. University of California (2010) "Introduction to International Relations," available at: <http://www.polsci.ucsb.edu/faculty/rauchhaus/files/syllabi/Rauchhaus--PS7--Course%20Syllabus.pdf> (last access 2010/12/10).
16. University of Illinois (2004) "Introduction to International Relations," available at: <http://www.uic.edu/depts/pols/syllabus/Pols184Summer2004.pdf> (last access 2010/12/10).
17. University of Rutgers (2003) "Introduction to International Relations," available at: <http://www.rci.rutgers.edu/~rhodese/102.html> (last access 2010/12/10).

از این نویسنده تاکنون مقالات زیر در همین مجله منتشر شده است:

"جنبش زنان و روابط بین الملل"، سال ۷۸، شماره ۴۵ - "تجدد و زمینه سازی ظهور جنبش‌های اجتماعی در غرب"، سال ۷۸، شماره ۴۶ - "فمینیسم در عرصه سیاست گفتمان"، سال ۸۱، شماره ۵۷ - "جنبش زنان و مفاهیم بنیادین سیاست"، سال ۸۲، شماره ۵۹ - "گفتگوی تمدن‌ها از منظر سازه انگاری"، سال ۸۳، شماره ۶۳ - "سازه انگاری به عنوان فرانظریه روابط بین الملل"، سال ۸۳، شماره ۶۵ - "بازیابی نظریه انتقادی در روابط بین الملل"، سال ۸۴، شماره ۶۷ - "نظریه نظام جهانی: توانمندی‌ها و محدودیت‌های یک دیدگاه رادیکال"، سال ۸۵، شماره ۷۱ - "چرخش در سیاست خارجی ایالات متحده و حمله به عراق: زمینه‌های گفتمان داخلی"، شماره ۲، تابستان ۸۶، "جنگ آمریکا علیه عراق و ساختار معنایی نظام بین‌الملل" شماره ۱، بهار ۸۷، "هویت و حوزه‌های مفهومی روابط بین‌الملل"، شماره ۴، زمستان ۸۸؛ "مسکو و جمهوری‌های پیرامونی در دوران شوروی: چارچوبی تحلیلی برای درک روابط و اقدامات"، شماره ۲، تابستان ۸۹